

صورتبندی هویت ملی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

جلال درخشه *

سیدمهدی موسوی نیا **

دریافت مقاله: ۹۵/۴/۱۸

پذیرش نهایی: ۹۵/۶/۱۹

چکیده

بحث از هویت ملی در عصری که نگرش‌های ملی‌گرای متجدد در حال گسترش بوده و تقابل سنت و تجدد به وجود آمده است، امری ضروری به نظر می‌رسد. در مقاله حاضر، با توجه به مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد و بقای هویت ملی و بررسی ادبیات حوزه هویت ملی به سراغ اندیشه امام خمینی(ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی و عالمی دینی رفته شده است. تحلیل اندیشه امام خمینی(ره) از طریق یکی از روشهای مرسوم در تحلیل اندیشه‌های سیاسی موسوم به تحلیل گفتمان انجام، و از میان نگرشهای مختلف در حوزه تحلیل گفتمان، نظریه لاکلا و موف برگزیده شده است؛ چرا که به نظر می‌رسد این نظریه برای تبیین امور سیاسی اجتماعی، ظرفیتهای بیشتری دارد. سؤال اصلی مقاله پیش‌رو این است که: "در گفتمان امام خمینی(ره)، عناصر اساسی در بازسازی هویت ملی چیست؟" با این بررسی، دالهای گفتمانی اندیشه امام خمینی(ره)، حول محور ارزشهای دینی مفصل‌بندی شده، قابلیت اعتبار این گفتمان و غیریت‌سازی آن بررسی شد.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، هویت دینی، اندیشه سیاسی اسلام، تحلیل گفتمان، امام خمینی(ره)

مقدمه

در تاریخ معاصر ایران و به طور خاص در جامعه امروزی ایران، نگرشهای ملی‌گرایانه، که عموماً تحت تأثیر مدرنیته است با تأکید بر آموزه‌ها و ارزشهای خود، آموزه‌های غیر خود را ناصواب می‌انگارد و به تخریب آن می‌پردازد. در موقعیت کنونی، بسیاری از این آموزه‌ها از طریق ابزارهایی نظیر شبکه‌های اجتماعی با سرعت انتقال می‌یابد. گسترش این تلقی، که به دنبال ایجاد نزاع و درگیری میان هویت ملی و دینی است، ضرورت مطالعه در باب این موضوع را دوچندان کرده است.

یکی از شاخه‌های نگرش ملی‌گرایی، بحث از موضوع هویت ملی است که در این تحقیق بر آن تمرکز شده است. هویت ملی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد داشته باشد. با تکیه بر عنصر هویت ملی، ضمن ایجاد همبستگی و مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی اجتماعی، می‌توان به دوام و ادامه حیات سیاسی ملت کمک کرد و حتی مسیری را برای آینده متصور شد.

با توجه به اهمیت بحث هویت ملی، که یکی از دغدغه‌های جمهوری اسلامی ایران در اوضاع حاضر به شمار می‌رود و نظام اسلامی، باید برای مدیریت این مسئله، چاره‌جویی کند، این موضوع در گفت‌وگوهای سیاسی امام خمینی (ره) بررسی شده است. رجوع به آرا و افکار ایشان به عنوان بنیانگذار و معمار انقلاب اسلامی، جامعه امروز را با اهداف اولیه و عالی انقلاب آشنا می‌کند و قرائتی دقیق از شخصیت عالمی را روشن خواهد ساخت.

پژوهشهایی که نزدیکی موضوعی با این بحث دارد و در نگارش مقاله از آن استفاده شده در سه دسته قابل معرفی است: الف) پژوهشهایی که به بحث هویت و هویت ملی می‌پردازد. ب) پژوهشهایی که به اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) توجه دارد. ج) پژوهشهایی که به بحث هویت ملی در اندیشه امام خمینی (ره) متمرکز است؛ با این حال، توجه همزمان به سه عنصر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، هویت ملی و تحلیل گفت‌وگو، سبب شده است تا این پژوهش با ویژگی «توجه روشمند به اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» از تلاشهای دیگر متمایز شود؛ به این منظور، لازم است ابتدا، ادبیات هویت ملی تبیین، و با توضیح نگاه امام خمینی (ره) در باب موضوع هویت ملی به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که: «در گفت‌وگوهای امام خمینی (ره)، عناصر اساسی در بازسازی هویت

ملی چیست؟"

۱ - مفهوم شناسی

الف) هویت: تعریفی که فرد از وجودش دارد، ما را با مفهوم هویت^۱ آشنا می‌سازد که به لحاظ لغوی از ریشه لاتین idem به معنای تشابه و یکسانی است. در واقع، پاسخی که او به پرسش‌هایی همچون چیستم و چه می‌خواهم می‌دهد، ابعاد شخصیتی و کیستی او را تعیین می‌کند. آگاهی نسبت به این فهم، که فرد کیست و چه نقشی دارد، او را از سردرگمی‌ها، آشفتگی‌ها و رنجهای روانی رها می‌سازد (زهیری، ۱۳۸۴: ۳۰). مفهوم هویت از جمله مفاهیمی است که در تمامی رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی سایه گسترانده است و برای درک فرد از خود به‌عنوان موجودی مشخص و جدا کاربرد دارد (احمدی، ۱۳۸۸: ۴۰). به طور خاص، می‌توان معنای آن را در سیاست به اقدام فرد در انتساب خود به عنوان اعضای گروهی خاص (ملت، طبقه اجتماعی) مربوط دانست (احمدی، ۱۳۸۸: ۴۴).

ب) ملت: تعبیر ملت^۲، برگرفته از اصطلاح ناسیون به معنای زادگاه است که در دوران جدید، معنای خاصی پیدا کرده و به جمعیتی از انسانها اطلاق می‌شود که در یک سرزمین زندگی می‌کنند؛ منشأ مشترکی دارند؛ منافع مشترک دارند؛ از آداب و رسوم مشابهی پیروی می‌کنند و اکثراً زبانی یکسان دارند (بیرو، ۱۳۷۵: ۲۳۶). این مفهوم با تأسیس دولت - ملت‌ها از سال ۱۶۴۸ و بر اساس نظام وستفالی شکل گرفته و البته از قرن بیستم، کاربرد گسترده‌تری یافته است.

ج) هویت ملی: هر چقدر موضوع هویت از جنبه‌های فردی فراتر رود، اهمیت بیشتری می‌یابد که به طور خاص، می‌توان به سه نوع هویت جمعی، هویت جامعه‌ای و هویت ملی اشاره کرد. هویت جمعی^۳، شیوه مشترک در چگونگی تفکر، احساسات و تمایلات هر گروه است که نوعی احساس تعهد و تکلیف نسبت به گروه را برمی‌انگیزد. هویت جامعه‌ای^۴ نیز احساس تعهد و عاطفه نسبت به اجتماع عام است که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را

1 - Identity

2 - Nation

3 - Collective Identity

4 - Societal Identity

تشکیل می‌دهد؛ اما هویت ملی^۱، جامعترین هویت جمعی نزد مردم است و نوعی احساس پایبندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی (عام)، و جزئی از هویت فرد است. در واقع، افزوده شدن تعبیر ملی به هویت، مفهوم جدیدی را در دنیای امروز ساخته که به معنای پاسخ ملت به پرسش از کیستی خود است.

۲ - مؤلفه‌های اساسی هویت ملی

مؤلفه‌های فراوانی بر هویت ملی می‌تواند اثرگذار باشد؛ اما با این حال، دو عنصر اساسی می‌تواند این مؤلفه‌ها را در برگیرد: یک عنصر به پایبندی نظری افراد به هویت ملی مربوط، و عنصر دیگر، پایبندی عملی افراد به هویت ملی است. آنچه به بعد نظری هویت ملی مرتبط است، عاطفه تعمیم‌یافته و آنچه به بعد عملی بازمی‌گردد، تعهد تعمیم‌یافته نام دارد (رزازی فر، ۱۳۷۹: ۱۲۰). بر مبنای عواطف و تعهدات تعمیم‌یافته، مؤلفه‌های سازنده‌ای برای هویت ملی می‌توان نام برد؛ نظیر:

- ارزشهای ملی: میزان دلبستگی و تعهد به فرهنگ کشور مانند سرود ملی، سنتهای ملی، تاریخ کشور، پرچم، آثار ملی، مشاهیر ملی، رهبران سیاسی و...
- ارزشهای دینی: میزان پایبندی و عمل به فرایض دینی، شرکت در مراسم و مناسک دینی، اعتقاد به پیشوایان دینی، شناخت علمای دینی و...
- ارزشهای جامعه‌ای: احساس همبستگی با نیازمندان جامعه، رعایت مقررات جامعه و...
- ارزشهای انسانی: کمک و همیاری به نیازمندان جهان، احساس همبستگی با مردم دیگر کشورها و...

آنچه در ارتباط با این مؤلفه‌ها، محل سؤال جدی است، چگونگی اولویت‌بخشی به این عناصر است. در واقع، اینکه نظام سیاسی، کدام عامل را نسبت به دیگر عوامل ترجیح بیشتری دهد، خود به بحث نیاز دارد. زاویه دید و طریقه نگرش به این موضوع، می‌تواند به دستیابی به نتیجه یاری رساند. بدیهی است اولویت‌بخشی به هر عنصر، لزوماً به معنای غفلت از دیگر عناصر نیست.

۳ - نظریات هویت ملی

بحث از هویت، نیازمند پاسخ به یک سؤال محوری، چه در بعد فردی و چه در بعد جمعی است. در بعد فردی، پاسخ به سؤال من کیستم و در بعد جمعی، پاسخ به سؤال ما کیستیم، می‌تواند معنای هویت را آشکار سازد. این پرسش در میان صاحبان اندیشه در طول تاریخ، یکی از سؤالات کلیدی بوده است که اندیشمندان مختلف بر اساس نوع هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسانشناسی خود، پاسخهای متفاوتی به آن داده‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

الف) جوهر‌گرایان: جوهر‌گرایان بر این باور هستند که هرگونه تأثیرپذیری خویشتن از دیگری مردود است و نقش عاملیت انسان را در این باره باید جدی گرفت. در واقع، آنها جوهر انسانها را وجه تمایز انواع بشر می‌دانند (فی، ۱۳۸۶: ۵۸). به عقیده آنها، حالت‌های منحصر به فرد افراد، نه برگرفته از دیگران، بلکه تأثیرپذیر از اعتقادات خود فرد، و فرد، کاملاً از دیگران متمایز است. بر این اساس، نمی‌توان تأمل خاصی در باب تأثیر ملیت افراد بر هویت آنها داشت و چنین مفهومی، سالبه به انتفاع موضوع است.

ب) کل‌گرایان: آنها با نقد فردمحوری جوهر‌گرایان، معتقدند که هویت انسان در ارتباط با دیگران و اجتماع، شکل می‌گیرد. در واقع در نظامی مشترک از نمادها، تعاملات و... افراد یکدیگر را باز می‌شناسند و با هویت غیر خود آشنا می‌شوند (فی، ۱۳۸۶: ۸۸). در واقع می‌توان چنین گفت که هویت افراد از نگاه کل‌گرایان برآمده از عضویتشان در گروهی خاص و عدم عضویتشان در دیگر گروه‌هاست. بنابراین طبق این دیدگاه، هویت ملی در قالب نظامی از نمادها، تعاملات و... شکل می‌گیرد و در فرد ایجاد می‌شود. طبیعی است که شدت این قالبها می‌تواند در تقویت هویت ملی در افراد اثرگذار باشد.

ج) برساخت‌گرایان: دیدگاه برساخت‌گرایی نه صرفاً بر جوهر‌گرایی و نه صرفاً بر کل‌گرایی تأکید دارد؛ بلکه به عقیده آنها، هویت از قوام رابطه میان ساختار و کارگزار شکل می‌گیرد. در واقع، هویت ملی را ساخته و پرداخته تعاملات اجتماعی میان مردم تلقی می‌کنند (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۹۱). با توجه به این دیدگاه، هویت ملی بیش از اینکه واقعیتهای اجتماعی در نظر گرفته شود، بین‌الذاتانی است.

۴ - تقریری از نظریه هویت ملی امام خمینی (ره)

دیدگاه رایج در انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) با این دیدگاه‌ها از جهاتی مشابهت دارد؛ اما دارای ویژگیهای خاص خود نیز هست. در این نظر، انسانها فطرتی همسان دارند و نقش عاملیت و اراده افراد در پیمودن مسیر سعادت و شقاوت و رقم زدن هویت خود، جدی است. حضرت امام خمینی (ره) در نامه عرفانی خود به میرزا جواد همدانی، جایگاه فطرت را در وجود انسان و نقش فرد در استفاده صحیح یا غلط از آن چنین بیان می‌کند:

«آدمی را از دیگر موجودات به واسطه یک لطیفه ربانی و فطرت الهی متمایز کرده‌اند؛ فطرتی خدایی که آدمیان را بر آن طینت آفرید و این فطرت - به وجهی - همان امانتی است که در کتاب عزیز الهی مورد اشاره شده انا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ (احزاب/۷۲): ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم؛ از تحمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند و انسان آن را بر دوش گرفت و این فطرت همان فطرت توحید خدا در مقامات سه گانه [ذات و صفات و افعال] بلکه فطرت رها کردن همه تعینات و ارجاع همه چیز به او و اسقاط همه اضافات حتی اضافات اسمایی است و فانی کردن همه چیز است نزد او، و هر که به این منزلت نرسد از فطرت خدا خارج شده و در امانت پروردگار خیانت کرده و نسبت به مقام انسانیت و ربوبیت جاهل و به نفس خویش و حضرت حق ستم کرده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۹).

با این بیان، دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) به دیدگاه جوهرگرایان مشابهت دارد که به عاملیت انسان توجه جدی دارند؛ با این حال، تأکید حضرت امام (ره) به نقش جامعه در شکل‌دهی به هویت و شخصیت افراد را به عنوان مشابهت نگاه ایشان با کل‌گرایان در نظر گرفت. به عقیده ایشان، فطرت مشترک انسانها، که با تبدل احوال و تغییر زمان و مکان و تمدن متحول نمی‌شود و ثابت است در بروز و ظهور خود می‌تواند از پیرامون خود تأثیر بپذیرد (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۹۱ و ۱۹۲). به طور خاص، حضرت امام (ره) در بحث اصلاح دانشگاه‌ها، تأثیر جامعه بر فطرت انسانها را با تعابیر زیر مؤثر می‌داند:

«اول که بچه‌ای متولد می‌شود (کلُّ مولودٍ یولدُ یولدُ عَلَى الْفِطْرَةِ) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۳)) به فطرت انسانیت و به فطرت خوب تولد پیدا می‌کند؛ بعدش مربیها هستند که این را می‌کشاند به فساد.

محیط است که اگر فاسد باشد اینها را می‌کشد به فساد. باید محیط دانشگاه یک محیطی باشد که اگر انسان رفت توی آن ببیند محیطی است که همه اینها متعهدند و همه اینها خدمتگزار کشور هستند و همه برای اسلام و کشور دارند خدمت می‌کنند. این آدمی هم که از خارج رفت توی آن طبعاً این طوری بار می‌آید. وقتی در یک جامعه‌ای سلامت حکمفرما باشد، افراد خود به خود سالم بار می‌آیند. یک خانواده‌ای که همه‌شان اشخاص خوب هستند، بچه‌هاشان سالم بار می‌آیند؛ مگر باز وارد بشوند در یک جامعه فاسد که آنها فاسدشان بکنند و الاً طبعاً این طوری است. بچه‌های کوچک نفسشان مستعد از برای این است که نقش بگیرد یا از طرف فساد یا از طرف صلاح. اگر یک جامعه صالح بود، بچه‌هایش هم صالح بار می‌آیند. اگر فاسد بود، بچه‌ها هم فاسد بار می‌آیند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۵۰۰).

در واقع، دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) به دیدگاه‌های میانه در زمینه هویت تعلق دارد. طبق این دیدگاه، هویت چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی، حاصل تعامل و سازواری دو مجموعه عناصر تغییرپذیر و نسبتاً ثابت است. عناصر پویا و تغییرپذیر، معلول محیط - اعم از انسانی و طبیعی - است؛ اما عناصر نسبتاً ثابت به ویژگیهای ثابتی در انسانها باز می‌گردد که یا تغییرناپذیر است یا تغییرات آن ناچیز است (قیصری، ۱۳۸۳: ۹۰ و ۹۱).

در جمع‌بندی نگاه حضرت امام(ره) به مقوله هویت و هویت ملی باید گفت که طبق مبنای ایشان، باید بپذیریم که هویت ملی، نه صرفاً معنایی فردی و شخصی است و نه صرفاً برگرفته از رابطه با دیگران، بلکه حالتی بینابین دارد. در واقع فرد از طریق ارتباط با دیگران و هم‌چنین در چارچوب ذهنی خود، هویت خود را در سطح ملی انتزاع می‌کند و در قالب نظام مشترک نمادها و مفاهیم و تعاملات و... و هم‌چنین در تأثیرپذیری از هویت‌های غیرخودی به شکل‌گیری و تقویت هویت ملی خود همت می‌گمارد. در میان عوامل مختلفی که بر هویت ملی فرد اثرگذار است، ارزشهای دینی، انسانی، جامعه‌ای و ملی از اهمیت فراوانی برخوردار است. علاوه بر این، نباید از نظر دور داشت که از میان ابعاد مختلف هویت ملی، بعد سیاسی آن در اندیشه امام خمینی(ره) مراد است. منظور از بعد سیاسی هویت ملی، تعلق به یک واحد سیاسی به عنوان عنصر ملی مستلزم تعلق به دولت نظام سیاسی و ارزشهای مشروعیت بخش حکومت در هویت ملی است (زهیری، ۱۳۸۴: ۳۳ و ۳۴). ویژگی این تحقیق با سؤال خاص خود این است که مؤلفه(های) تأثیرگذار بر پابندی افراد به هویت ملی را طبق دیدگاه امام خمینی(ره) شناسایی کند.

۵ - روش پژوهش

در این تحقیق به سراغ داده‌ها و اطلاعاتی رفته شده که از طریق مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده است. مطالعه در درجه اول به نامه‌ها، پیامها، سخنرانیها و بیانات حضرت امام خمینی (ره) اختصاص دارد که در مجموعه با عنوان صحیفه امام (ره) گردآوری شده است. در وهله بعد نیز مجموعه آثار درباره اندیشه‌های امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار گرفته است تا از این مسیر، پاسخی مناسب و متقن به پرسش اصلی تحقیق داده شود. پس از آن، مطالب از طریق روش تحلیل گفتمان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

مطالعات مربوط به حوزه اندیشه سیاسی به سبب ویژگیهای متمایزی که دارد، روشهای خاص خود را نیز می‌طلبد. می‌توان گفت مناسبترین روش تحلیل در حوزه اندیشه سیاسی، تحلیلهای کیفی است که امروزه، کاربرد فراوانی در این شاخه دارد. یکی از انواع پر کاربرد تحلیلهای کیفی، تحلیل گفتمان^۱ است که تحت تأثیر زبان‌شناسی انتقادی از نیمه دوم قرن بیستم بر سر زبانها افتاده است (محسنی، ۱۳۹۱: ۶۴).

در میان اندیشمندان متعددی که در حوزه تحلیل گفتمان به نظریه‌پردازی مبادرت ورزیده‌اند، ارائه معنایی دقیق و مورد توافق از گفتمان، دشوار و ناممکن خواهد بود، با این حال برای نزدیکی ذهن به معنای کلی گفتمان، باید گفت که «منظور از گفتمان، همان نظامهای معنایی و راه‌های باز نمونی خودمان و جهانمان به دیگران است که طی آن نه تنها آنچه را می‌اندیشیم و انجام می‌دهیم و آرزوها و اشتیاقهایمان را بیان می‌کنیم بلکه «موضوعهای شناسایی» خویشتن را می‌سازیم و آن را در جریان گفتگوها و استدلالهایمان باز تولید می‌کنیم. فراگرد تولید هر گفتمان، شامل قالب‌ریزی داده‌ها در الگوهای و مربوط کردن آن با اوضاع و داده‌های جدید است» (معینی علمداری، ۱۳۸۰: ۷۹).

تحلیل گفتمان را برخی به عنوان نظریه پذیرفته‌اند و برخی دیگر از آن به عنوان یک روش بهره می‌برند. اگر تحلیل گفتمان را نظریه بدانیم، این نظریه ذیل دیدگاه‌های فلسفی سازه‌گرایی اجتماعی خواهد گنجید. در این دیدگاه، واقعیت اجتماعی بر خلاف واقعیت‌های فیزیکی، که ملموس و عینی است از ذهن آدمی سرچشمه می‌گیرد و ساخته می‌شود (محسنی، ۱۳۹۱: ۷۱). در نظریه تحلیل

گفتمان از جهاتی به مارکسیسم و از جهاتی دیگر به ساختارگرایی، انتقاداتی وارد می‌شود. آنها، زیربنا بودن اقتصاد در نگاه مارکسیستی را زیرسؤال می‌برند و عنصر سیاسی را در آگاهی طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری دخیل می‌دانند و در این راستا از مفهوم هژمونی، که توسط آنتونیو گرامشی مطرح شده بود، بهره برده‌اند. گرامشی معتقد است که سازماندهی رضایت‌آفرینی وجود دارد که طی آن، آگاهیهای فرمانبرداری بدون توسل به خشونت یا اجبار ساخته می‌شود. او سازماندهی را ناشی از عنصری به نام هژمونی می‌داند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۶۵). از سوی دیگر، نقد جدی آنان به ساختارگرایان است. بر خلاف ساختارگرایان که معتقدند نشانه‌ها مانند گره‌های تور ماهیگیری در نسبت و تفاوت با یکدیگر به تثبیت معنایی می‌رسند، نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان اعتقاد دارند نمی‌توان معنا را بدون ابهام و برای همیشه به تثبیت رساند؛ بلکه شبکه‌های معنایی دائما در حال به چالش کشیده شدن هستند و پیوسته، خلق معانی جدید صورت می‌پذیرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹).

آنها در روند تثبیت معنا، نقش ایدئولوژی را در توجیه، تولید و بازتولید سلطه و قدرت، پررنگ می‌دانند و معتقدند ایدئولوژی در کنار زبان، ابزار حفظ روابط نابرابر قدرت در جامعه است. تعبیر معروف فرکلاف، که «زبان حامل ایدئولوژی است»، گویای همین است که زبان، ایدئولوژی خاصی را به دنبال دارد (محسنی، ۱۳۹۱: ۶۷ و ۶۸) و به این صورت، گفتمان با نظام معنایی خاص خود به تثبیت می‌رسد یا به تعبیر گرامشی، هژمون می‌شود.

بررسیها نشان می‌دهد که ایرادات متعددی به دیدگاه فلسفی تحلیل گفتمان وارد است. این دیدگاه، محقق را به دامان نسبی‌انگاری می‌کشاند و حقیقت و واقعیت را موقت، متغیر و وابسته به امور و زمینه‌های اجتماعی می‌داند. علاوه بر این در این دیدگاه فلسفی، تناقضات درونی نیز وجود دارد؛ آنها از یک سو مطرح می‌کنند هیچ چیز بنیادینی در خارج از فضای گفتمانی، نمی‌تواند به پدیده‌ها معنا ببخشد؛ اما از سوی دیگر معتقدند گفتمان معتبر، گفتمانی است که اصول آن با اصول جامعه هیچ‌گونه ناسازگاری نداشته باشد. معنایی که در بحث قابلیت اعتبار گفتمان نهفته، گویای این است که خارج از گفتمان، معنا و حقیقتی به نام اصول جامعه هست که این مفهوم، ادعای اولیه آنان را نقض می‌کند (خواجه سروی و رحمنی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). علاوه بر این، نمی‌توان تولید گفتمان را صرفا درونی دانست؛ چرا که گاهی ساختارهای بیرونی نظیر قومیت، طبقه، جنسیت و... می‌تواند بر گفتمان مؤثر باشد.

با این ایرادات، اگر تحلیل گفتمان را صرفاً روش تحلیل داده‌ها در نظر بگیریم، باید گفت که این روش به مجموعه فنونی اطلاق می‌شود که در آشکار ساختن الگوی فهم، باور، ارزش و ساختار ایمان، راهگشاست. اساساً روش به مجموعه شیوه‌ها و تدابیری اطلاق می‌شود که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش کاربرد دارد (حقیقت، ۱۳۹۱: ۶۲۴). در میان انواع روشهای تحلیل گفتمان، روشی که ارنستو لاکلا و همسرش، شنتال موف تحت عنوان نظریه لاکلا و موف مطرح کرده‌اند، پرکاربردتر از دیگر روشهاست و به اعتقاد پژوهشگران حوزه‌های اندیشه‌ای، این دیدگاه با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی، انطباق بیشتری دارد. این نگاه نیز جهان اجتماعی را در درون ساخت گفتمانی قابل فهم می‌داند. نظریه لاکلا و موف در تحلیل گفتمان، اجزای مختلفی دارد که در تحلیل اندیشه‌ها باید به آن توجه کرد:

الف) عناصر^۱ و وقته‌ها^۲: عناصر، دالهای شناوری^۳ است که هنوز معنای ثابتی نیافته و گفتمانها به دنبال جذب آنها است. وقته‌ها به مجموعه نشانه‌هایی اطلاق می‌شود که گفتمان در شبکه معنایی خود به آن جایگاه می‌بخشد (حقیقت، ۱۳۹۱: ۶۰۳). این دالها و نشانه‌ها، لزوماً زبانی نیست و می‌تواند غیر زبانی و از جنس رفتار باشد. به معنا و مصداقی که دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول^۴ گفته می‌شود (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۳).

ب) دال مرکزی^۵: این مفهوم، که هسته مرکزی منظومه گفتمانی به شمار می‌رود، نشانه‌ای است که دیگر نشانه‌ها و مفاهیم حول آن نظم می‌گیرد (حقیقت، ۱۳۹۱: ۶۰۵).

ج) مفصل‌بندی^۶: دالها و نشانه‌های جذب شده هر گفتمان، گونه‌ای از مفصل‌بندی و ترکیب را تشکیل می‌دهد که شبکه معنایی جدیدی می‌سازد. ممکن است همین دالها در نظام معنایی دیگری و با مفصل‌بندی جدید، شبکه معنایی متفاوتی را ایجاد کند (بهروزلک، ۱۳۸۵: ۴۱).

د) غیریت یا ضدیت^۷: گفتمان باید ویژگی تفاوت و تمایز با غیر خود را نیز داشته باشد. «گفتمانها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرد و هویت‌یابی هر گفتمان، صرفاً در

-
- 1 - Elements
 - 2 - Moments
 - 3 - Signifier
 - 4 - Signified
 - 5 - Nodal point
 - 6 - Articulation
 - 7 - Antagonism

تعارض با گفتمانهای دیگر امکانپذیر است» (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۷). البته آنچه در تحلیل گفتمان لالکلا و موف از آن غفلت شده این است که هرچند غیریت در ایجاد گفتمان کمک می‌کند، این گونه نیست که با از بین رفتن غیر، گفتمانها نیز از بین برود (خواججه‌سروی و رحمنی، ۱۳۹۲: ۱۳۰).

ها) قابلیت اعتبار^۱: اصولی که گفتمان عرضه می‌کند، باید با اصول اساسی گروه‌های اجتماعی و جامعه مخاطب انطباق داشته باشد (حقیقت، ۱۳۹۱: ۶۰۳).

و) زنجیره هم‌ارزی و تفاوت^۲: ویژگی زنجیره هم‌ارزی در گفتمان، سبب جذب نشانه‌ها می‌شود و آنها را با هم ترکیب می‌کند و در مقابل هویتی منفی قرار می‌دهد. زنجیره هم‌ارزی، تفاوتها را پوشش می‌دهد و به نشانه‌ها انسجام می‌بخشد. علاوه بر منطق هم‌ارزی، گفتمانها در برابر غیرخود به تمایزات و مرزهای تفاوت اشاره دارد (حقیقت، ۱۳۹۱: ۶۰۴).

۶ - بازسازی هویت ملی در گفتمان امام خمینی(ره)

هویت و تعابیر مشابه به آن از نقاط مورد تأکید حضرت امام خمینی(ره) در مجموعه نامه‌ها، بیانات و سخنان امام خمینی(ره) است. هرچند نمی‌توان با توجه به تعداد کاربرد این کلمه از سوی حضرت امام(ره)، نتیجه تامی در مورد این موضوع گرفت، تکرار کلمه هویت در تعابیر ایشان (۲۰ مورد) و به کار بردن این کلمه با پسوندهایی نظیر هویت اسلامی، هویت انسانی، هویت دینی، هویت ایرانی اسلامی و... می‌تواند نشانه‌ای از اهتمام ایشان به این موضوع باشد.

۱ - ۶ - مفصل‌بندی هویت ملی در گفتمان امام خمینی(ره)

پیش از بررسی اجزای گفتمان امام خمینی(ره) در حوزه هویت ملی و بیان مفصل‌بندی اجزا در ربط با یکدیگر، لازم است مجموعه سخنانی از ایشان، که در تحلیل به کار برده می‌شود، فهرست، و نکات کلیدی هر سخن مشخص شود. برای آشکار شدن دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) در زمینه مؤلفه‌های هویت ملی، توجه به جملات ذیل ضروری است:

1 - Credibility

2 - Equivalence and Difference

جدول ۱: نکات کلیدی مؤلفه‌های هویت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)

نکات کلیدی	جمله
جنس فرهنگی هویت ملی ایرانیان	«بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکانپذیر است. بی‌جهت و من‌باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیرسلطه است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۴۳).
اولویت مؤلفه ارزشهای دینی	«ما (ملیت) را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم ... ملت، ملت ایران است؛ برای ملت ایران هم، همه جور فداکاری می‌کنیم، اما در سایه اسلام است؛ نه اینکه همه‌اش ملیت و همه‌اش گُجَریت! ملیت، حدودش حدود اسلام است و اسلام هم تأیید می‌کند او را، ممالک اسلامی را باید حفظ کرد. دفاع از ممالک اسلامی جزء واجبات است؛ لکن نه اینکه ما اسلامش را کنار بگذاریم و بنشینیم فریاد ملیت بزنیم و پان‌ایران‌سیم!» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۱۲۴).
رسمیت بخشیدن به هویت ایرانی	«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیستها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۰).
حساسیت دشمن نسبت به هویت دینی ایرانیان	«اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آنها ولی و قیم باشند ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی - اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارایه سیاست امریکا یا شوروی را بکشد...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۱).
غفلت از هویت دینی، شرط مصالحه با دشمنان	
تلاش جبهه متخاصم برای تسلط	

ادامه جدول ۱: نکات کلیدی مؤلفه‌های هویت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)

نکات کلیدی	جمله
تلاش دشمن برای تضعیف هویت دینی حساسیت ارتباط با گفتمان رقیب	باز می‌گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامیتان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور؛ همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند... (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۲۹).
دین به مثابه عنصر قوام‌بخش نظام سیاسی	«مسئله‌ای را که لازم دیدم تذکر دهم، این است که قوام نظام اسلامی ایران بر اتحاد در روش و حرکت در کلیت سیاست مورد قبول اسلام است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۲۹).
اولویت مبارزه دینی (مکتبی) بر مبارزه سیاسی توجه به ارزشهای انسانی	«جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابرقدرتهای شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور. جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابریهای دنیای سرمایه‌داری و کمونیزم. جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانیهایی مرفهین و حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۶۸).
اولویت مبارزه دینی (مکتبی) بر مبارزه سیاسی	«این جنگ محصور در مرز و بوم نیست. این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلخی کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است؛ جنگ ارزشهای اعتقادی - انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوشگذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمیهاست...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۶۹).
ضرورت احترام به قوانین جامعه	از تمامی دانشگاهیان و دانشجویان انتظار دارم حفظ حرمت اساتید و مربیان دانشگاه‌ها و دانشسراها و مدارس عالی را به بهترین وجه بنمایند؛ چنانچه موظفند حفظ مقررات و قوانین را بنمایند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۱۱۲).
ضرورت احترام به قوانین شرع	این کشور اسلامی است و باید هر امری موافق با موازین اسلامی باشد. شکایت از قاضی یا دادگاه باید به حسب مقررات شرعی باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۳۴۰).
برخورد با متخلفان از قوانین شرعی	اگر چنانچه یک کسی تخلف کرد از مقررات دولت، این غیر اسلامی است، آن هم باید اسلامی بشود؛ یعنی، باید دولت با قدرت، آن کسی [را] که تخلف می‌کند از آن چیزهایی که دولت برای حفظ نظام دولت قرار داده است، آن را باید با قدرت جلوی او را بگیرد؛ برای اینکه آن غیر اسلامی است، من می‌گویم اسلامی باید بشود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۴۴۹).
ضرورت توجه به نیازمندان جامعه	از حضرات آقایان تقاضای محترمانه دارم که در تمام شهرستانها و توابع آنها، هیأتی را که مورد وثوق هستند، انتخاب و مقرر فرمایید تا نیاز نیازمندان را، چه از حیث لزوم جراحی و چه از حیث فقدان سرپرست، و چه در اثر گرفتاریهای اقتصادی‌ای که در اثر اعتصابات و تعطیلات بحق خود با آن دست به گریبانند، بر طرف نموده و به قدر مقدور نیازهای آنان را رفع کنند تا با پشتگرمی با اعتصابات خود ضربه شدیدی بر پیکر دشمن وارد آورند و بر ملت شجاع و آگاه است که خود نیز مستقیماً به خواهران و برادران خود کمک کنند و دین الهی خود را ادا نمایند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۴۰۹).

به نظر می‌رسد در درجه اول، گفتمان حضرت امام(ه) در حوزه هویت ملی، فرهنگی است؛ چرا که ایشان فرهنگ را به عنوان عنصر هویت‌ساز در جامعه معرفی می‌کنند؛ اما لازم است از میان مؤلفه‌های مختلفی که در حوزه فرهنگ مؤثر است، سخن را دقیقتر کرد که عبارت حضرت امام(ره)، دقت لازم را به کار برده است. با توجه به ادبیات روش تحلیل گفتمان به نظر می‌رسد در گفتمان هویت ملی در اندیشه امام خمینی(ره)، هویت دینی به عنوان دال مرکزی گفتمان هویت ملی به شمار می‌رود و منظومه گفتمانی ایشان، ذیل هویت دینی و نشانه‌های آن می‌گنجد.

با شناسایی عامل دین به عنوان اولویت برتر، می‌توان چنین گفت که از نگاه ایشان در صورت پیروی از دین، نوعی همبستگی و نزدیکی میان افراد پدید می‌آید و عواملی طبیعی نظیر ملیت، قومیت، رنگ، زبان، جغرافیا و... در درجه‌های بعدی قرار دارد. امام خمینی(ره) «پیوسته می‌کوشد تا همبستگی‌ها و علقه‌های خرد جزئی را به سطوح عالی‌تر ارتقا دهد. ایشان پیوسته تلاش دارد واقعیت‌ها و تلقی‌های موجود نه چندان مطلوب را به سوی آرمانهای متعالی سوق دهد. در واقع در این نگرش هویت‌هایی مانند هویت قومی نفی نمی‌شود، بلکه از آن به عنوان مرحله‌ای آغازین و گذرگاه یاد می‌شود؛ نه توقفگاه» (برزگر، ۱۳۷۹: ۱۴۲).

مطالعات کمی در بیانات حضرت امام خمینی(ره)، نشانگر برجستگی مؤلفه دین بر سایر مؤلفه‌های هویت‌ساز است؛ به عنوان مثال، مقایسه میزان تکرار چهار کلیدواژه هم پیوند با هویت، نشان از شمار زیاد کاربرد ترکیب دینی دارد که در جدول ذیل می‌آید:

جدول ۲: مقایسه مفاهیم هم پیوند با هویت در بیانات امام خمینی(ره) (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۹۶)

عبارت	فراوانی	عبارت	فراوانی
هویت ملی	۰	وحدت ملی	۴
هویت با پسوند‌های دیگر	۴	وحدت اسلامی و الهی	۲۲
اهداف دینی و اسلامی	۳۶	منافع و مصالح ملی	۲
اهداف ملی	۰	منافع و مصالح اسلامی	۱۰۴

با این حال، بسنده کردن به مطالعات کمی نمی‌تواند نتیجه‌ای متقن به بار آورد؛ چرا که تکرار نکردن یک سخن، لزوماً به معنای بی‌اهمیت بودن آن نیست. در واقع برای اثبات این سخن به

تصریحات حضرت امام(ره) نیاز است و این گونه مطالعات آماری، می تواند قرینه اثبات سخن باشد. در صورتبندی گفتمان حضرت امام(ره)، باید در تشخیص عناصر و وقته ها و زنجیره هم‌ارزی که نشانه‌های مختلف را جذب می کند، دقت لازم به عمل آید. بر مبنای سخنانی که از حضرت امام خمینی(ره) ذکر شد، ارزشهای ملی، ارزشهای جامعه‌ای و ارزشهای انسانی به عنوان دالهای شناور گفتمان ایشان به رسمیت شناخته، و به وقته تبدیل شده، و تمامی آنها حول محور ارزشهای دینی مفصل‌بندی شده است؛ با این حال، یک مفهوم هست که در منظومه گفتمانی حضرت امام خمینی(ره) به هیچ وجه راهی ندارد و آن، تأکید صرف بر ملیت است که ایشان بشدت از این مفهوم احتراز، و آن را طرد می کند.



نمودار ۱: صورتبندی هویت ملی در گفتمان امام خمینی(ره)

۲- ۶- امکان اعتبار هویت دینی در جامعه ایران

بی‌شک، جامعه کنونی ایران را نمی‌توان جدای از تاریخ حدوداً ۴۰۰ ساله آن فهم کرد. بافت مذهبی جامعه کنونی در اقداماتی ریشه دارد که با ترکیب تفکرات ملی، شیعی و متصوفانه در حکومت صفویه آغاز شد و بعد از ۹ قرن، دولتی قدرتمند در ایران به وجود آورد که به استقلال مذهبی دست یافته بود. بر مبنای تشیعی که حکومت داعیه‌دار آن بود بر خلاف دوره‌های تاریخی قبل، توان و هدف جدیدی در عرصه جهان اسلام ایجاد شد و تمدنی نو بر اساس مذهب شیعه به وجود آمد (نجفی و حقانی، ۱۳۹۱: ۵۷ و ۵۸) به گونه‌ای که نقش دین در سیاست و جامعه، غیرقابل

انکار گردید. این حرکت در دوره‌های بعدی بویژه در عرصه اجتماعی ادامه یافت و به رغم تقابلی که روشنفکران مشروطه با ارزشهای دینی داشتند و هم‌چنین مبارزه جدی حکومت پهلوی با ارزشهای دینی، اصول مذهب به عنوان اصول قابل باور در جامعه ایرانی، همواره وزن خاص خود را داشت.

انقلاب اسلامی در چنین بستر سنتی و پرریشه‌ای به وقوع پیوسته است. اقبال مردم به شخصیتی همچون حضرت امام خمینی(ره) به عنوان رهبر نهضت، که به عنوان عالم منتسب به دین است، گویای همین بافت مذهبی در جامعه است. حضرت امام(ره)، عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی را همین اسلام‌خواهی مردم می‌داند و چنین بیان می‌کند:

«این یک قدرت الهی بود؛ نه قدرت من و شما. این برای همان بود که همه اجتماع، اعتصام به حق کرده بودند؛ یعنی به این اسلام که بین مردم و خدای تبارک و تعالی مثل یک ریسمانی تصور شده. همه معتصم شده بودند به او. همه توجه پیدا کرده بودند به اسلام. این اسباب این شد که ما پیروز شدیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۳۲).

ایشان در بیان دیگری، عنصر اسلام‌خواهی مردم ایران را یادآور می‌شود و ثبات قدم آنها را در پیروی از اسلام، چنین می‌ستاید:

«یک ملتی است فریاد زده است که ما اسلام را می‌خواهیم و دنبال این است که اسلام را به دست بیاورد؛ وقتی دنبال این است که اسلام را به دست بیاورد، صد دفعه هم که شما به هم بزنید آن را - با اینکه نمی‌توانید به هم بزنید - صد دفعه هم که به هم بزنید آن را، باز مردم همان اسلام را [می‌خواهند] بله، می‌توانید شما تبلیغ بکنید که یک وقتی مردم از اسلام برگردند، همه ملت برگردند، آن وقت دست شما می‌افتد. اما مادامی که مردم فریاد می‌زنند که ما اسلام را می‌خواهیم، هر روز هم دارند باز داد می‌کنند که ما اسلام و جمهوری اسلامی را می‌خواهیم؛ مادامی که این مسئله هستش، دیگر نمی‌شود این را تغییرش داد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۲۲).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همه‌پرسی روز دهم فروردین سال ۱۳۵۸، که با شرکت میلیونها نفر در ۱۸ هزار شعبه اخذ رأی، دو روز به طول انجامید و در نهایت با رأی ۹۸/۲ درصد از شرکت‌کنندگان به «جمهوری اسلامی»، به پایان رسید (طاهرخانی، ۱۳۹۰: ۵۳)، ادعای اسلامی و مذهبی بودن جامعه ایرانی را باورپذیرتر می‌سازد.

۳- ۶- غیریت‌سازی گفتمانی امام خمینی(ره)

در یکی از سخنان حضرت امام(ره) در بیان نوع ملیت مردم ایران چنین آمده است که آنان، ملیت مبتنی بر اسلامیت را قبول دارند. ایشان این دیدگاه را در تقابل جدی با دیدگاه صرفاً ملی‌گرا قرار می‌دهد و بیان می‌کند:

«ملیت، حدودش حدود اسلام است و اسلام هم تأیید می‌کند او را. ممالک اسلامی را باید حفظ کرد. دفاع از ممالک اسلامی جزء واجبات است؛ لکن نه اینکه ما اسلامش را کنار بگذاریم و بنشینیم فریاد ملیت بزنیم و پان‌ایرانیم!» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۱۲۴).

ایشان، ملی‌گرایی را ذیل اسلامی بودن تعریف می‌کند و معنایی را که پان‌ایرانیت‌ها از هویت ملی دارند، طرد می‌کند. در عین حال، بیان حضرت امام(ره) به هیچ وجه به دنبال ایجاد تقابل و القای دوگانگی میان ارزشهای دینی و ملی نیست. علاوه بر این، تمام تخاصم و ضدیت حضرت امام خمینی(ره) نیز با پان‌ایرانیت‌ها نیست. ایشان، جبهه استکبار را نیز در تقابل با گفتمان خود می‌داند و معتقد است آنان به دنبال تضعیف و طرد دال مرکزی گفتمان اسلامی، یعنی ارزشهای دینی هستند. در این زمینه، ایشان معتقد است «امروز تمامی قدرتها و ابرقدرتها مصمم شده‌اند تا ریشه اسلام ناب رسول گرامیمان - صلی الله علیه و آله وسلم - را قطع کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۹۲). در یکی از بیانات حضرت امام(ره) درباره اهداف گفتمان استکبار، که در ضدیت و غیریت دیدگاه امام(ره) قرار داد، چنین آمده است:

«بسیاری از آقایان می‌دانند که استکبار جهانی از چه راهی وارد شد در این کشورها. به دست خود اشخاصی که از این ملتها بودند با طرحهای خود دولتهای عقب‌مانده و دولتهای بی‌توجه به مصالح مسلمین و آنهایی که متعلق به این دولتها بودند از نویسندگان و گویندگان و خطبا و احیاناً ائمه جمعه و جماعات. آنها با تبلیغاتی که الهام می‌گرفتند به حسب ظاهر از قدرتهای خارجی درصدد این برآمدند که آن چیزی که از همه قدرتها بالاتر می‌تواند در مقابل اجانب و قدرتهای اجنبی بایستد اسلام است و این با بررسیهای دانشمندان کشورهای خارجی بررسی دقیق شده است و تنها راه نجات خودشان را این می‌دانند که اسلام در این کشورها یا نباشد یا محتوا نداشته باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۲۰۳).

نتیجه گیری

به رغم تلاشهای فراوانی که در تبیین اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) انجام پذیرفته است، امروزه بیش از هر زمان دیگری به بررسی روشمند اندیشه ایشان، نیاز وجود دارد و از شقوق مختلف اندیشه سیاسی امام(ره)، می توان به یکی از مفاهیم اساسی و زیربنایی تحت عنوان هویت ملی اشاره کرد. هویت ملی در گفتمان حضرت امام خمینی(ره) با دال مرکزی آن یعنی ارزشهای دینی شناخته می شود. در واقع، ایشان معتقدند آنچه ایرانی مسلمان را هویت می بخشد، نه صرفاً جغرافیا، بلکه مکتب و اعتقاد است. این مکتب و اعتقاد، مرزهای مرسوم جغرافیایی را در می نوردد و به آن محدود و محصور نیست. می توان چنین ادعا کرد که در نگاه ایشان، هویت دینی و سیاسی از یکدیگر قابل انفکاک نیست؛ با این حال، ایشان در اندیشه خود به نوعی همگرایی و همنوایی مؤلفه های هویت بخش جامعه ایران قائل هستند. تصور این مطلب، که هویت اسلامی با هویت ایرانی تقابل جدی دارد، چندان صحیح نیست؛ بلکه ایشان سعی دارد با ایجاد مرکزیت برای ارزشهای دینی، که به سبب الهی بودن آن، حجیت آور است، راه را بر ارزشهای احياناً اشتباه و منحرف ببندد. طبیعتاً نه دین، نه طبیعت پاک انسان و نه روح حاکم بر جامعه، انحرافات تاریخی در ایران را نمی پسندد؛ همان طور که هیچ یک از این مؤلفه ها، ارزشهای صحیح جامعه ایرانی در تاریخ را نمی تواند کتمان کند؛ در عین حال به نظر می رسد اگر جمهوری اسلامی در مسیر رشد و تکامل به دنبال حفظ هویتی است که بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی(ره) به دنبالش بوده است، باید به ارزشهای دینی در جامعه توجه جدی کند. هرگونه مماشات و اغماضی در اجرای ارزشهای دینی در جامعه، رفته رفته ممکن است مفصل بندی گفتمان جامعه ایرانی را بر هم زند و ترکیب دالهای گفتمانی را به نفع دال مرکزی دیگری تغییر دهد. در این صورت، معنایی که از گفتمان هویت ملی در جمهوری اسلامی متبادر خواهد شد، از دیدگاه امام خمینی(ره) متفاوت خواهد بود. البته، توجه جدی به دالهای شناور و وقته های گفتمانی امام خمینی(ره) نیز ضروری است. دال مرکزی ارزشهای دینی، بدون برقراری ارتباط و کمک گرفتن از ارزشهای ملی، جامعه ای و انسانی، نمی تواند به تثبیت معنایی برسد. در واقع در جامعه امروز با توجه به تقابل جدی تر سنت و تجدد در مقایسه با دوره امام خمینی(ره)، ارتباط دالهای گفتمانی هویت ملی جامعه ایران، بیش از پیش در هم تنیده شده است و صرف تأکید بر بخشی از آنها، دردی را درمان نخواهد کرد یا حداقل باید

بگوییم که دشوار و دست نیافتنی خواهد بود.

در این مقاله، بازسازی صورتبندی هویت ملی در گفتمان امام خمینی(ره) با توجه به اجزای روش تحلیل گفتمان صورت پذیرفت. پیشنهاد می شود در پژوهشهای دیگری به عینیت تاریخی تلاش امام(ره) در اجرای نظریه هویتی خود پرداخته شود.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۸). بنیادهای هویت ملی ایرانی؛ چهارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۷۹). صراط، ضابطه هویت در اندیشه امام خمینی. فصلنامه مطالعات ملی. ش ۵.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۵). جهانی شدن و سرانجام نزاع گفتمان‌ها. فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع). ش ۳۶: ۳۷ تا ۶۲.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱). روش شناسی علوم سیاسی (ویراست سوم). قم: مرکز انتشارات دانشگاه مفید.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱). مکتب امنیتی امام خمینی(ره): مبادی و مبانی فرائظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- [امام] خمینی(ره)، سید روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام(ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- خواجه سروی، غلامرضا؛ رحمنی، مریم (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی. ش ۶: ۱۲۷ تا ۱۴۸.
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۴). چیستی هویت ملی. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع). ش ۲۹: ۲۹ تا ۵۰.
- ظاهرخانی، رضا (۱۳۹۰). روزنگار جامع ایران پس از انقلاب اسلامی. تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.
- فی، برایان (۱۳۸۶). فلسفه امروزی علوم اجتماعی. چ سوم. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- کسرایی، محمدسالار؛ پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی. فصلنامه سیاست دانشگاه تهران. ش ۱۱: ۳۳۹ تا ۳۶۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. به تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محسنی، محمدجواد (۱۳۹۱). جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف. فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی. ش ۱۱: ۶۳ تا ۸۶.

معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۰). منطق پسایند بحران مدرنیته و مشارکت سیاسی. فصلنامه مفید دانشگاه مفید قم. ش ۲۵: ۷۹ تا ۹۸.

قیصری، نورالله (۱۳۸۳). هویت ملی؛ مؤلفه‌ها، چگونگی پیدایش و تکوین آن. گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. گردآوری و تدوین داود میرمحمدی. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

نجفی، موسی؛ فقیه حقانی، موسی (۱۳۹۱). تاریخ تحولات سیاسی ایران (بررسی مؤلفه‌های دین، تجدد و مدنیت در تأسیس دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران). تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

یورگنسن، ماریان؛ فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی